



عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون اخلاق
ربای لرد جانانان ساکس



با سپاس از بنیاد Wohl Legacy برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

Fire: Holy and Unholy

Shemini

مقدس و نامقدس: شמיני

شو'ک، شدید است. هفته ها و در چندین فصل تورات و بلندترین مقدمه چینی آن، شرح آماده سازی برای لحظه ای را خواندیم که قرار بود خداوند جلال خود را در میان قوم مستقر کند. پنج پاراشا (تروما، تتزروه، کی تيسا، ويخل و پكوده ی) دستور عمل های ساختن محراب را می آورند. دو پاراشای بعدی (وییکرا و تراو) ریزه کاری های قربانی دادن را شرح می دهند. اینک همه چیز آماده است. هفت روز است که کوهنیم (اهرون و پسرانش) به مقام رسمی رسیده اند. اکنون روز هشتم است که مراسم محراب باید برگزار شود.

همه مردم سهم خود را در ساختن آنچه خانه دیدنی جلال خداوند بر روی زمین خواهد بود، ادا کرده اند. روایت با آیه ای ساده و موثر به اوج می رسد:

موسی و اهلون به درون چادر عهد رفتند و وقتی بیرون آمدند، مردم را برکت کردند. سپس جلال الهی بر همه مردم آشکار شد. (لاویان ۹:۲۳)

تا فکر می کنیم که روایت به انتها رسیده، صحنه ای وحشتناک رخ می دهد:

پسران اهلون، ناداو و ابیهو، آتشدان خود را برداشتند، درون آنها آتش گذاشتند و عود افزودند؛ و آنها آتشی غیرمجاز برای خدا پیشکش کردند که خدا به آنها نیاموخته بود که پیشکش کنند. از پیشگاه خدا آتشی بیرون جهید و آنها را سوزاند و در برابر خدا مردند. سپس موسی به اهلون گفت: "خدا وقتی سخن گفت، چنین فرمود: برای همه کسانی که به من نزدیک می شوند، خود را مقدس نمایان خواهم ساخت؛ در انتظار همگان تجلیل خواهم شد." (لاویان ۳-۱:۱۰)

مراسم جشن با مرگ دو پسر بزرگتر اهلون به تراژدی تبدیل شد.

حکیمان تلمودی و تفسیرگران تورات، شرح های بسیاری بر این رویداد داده اند. ناداو و ابیهو به این دلیل ها مردند: وارد قدس القداس (حریم درونی) شدند^۱؛ آنها لباس های مقرر به تن نداشتند^۲؛ آتش را از آشپزخانه گرفتند و نه از قربانگاه^۳؛ با موسی و اهلون مشورت نکردند^۴؛ با یکدیگر نیز مشورت نکردند^۵؛ بنا به نظر برخی، گناه آنها تکبر و نخوت بود،

^۱ Midrash Tanchuma (Buber), parshat Acharei Mot 7.

^۲ Leviticus Rabbah 20:9.

^۳ Midrash Tanchuma, ad loc.

^۴ Yalkut Shimoni, I:524.

^۵ Midrash Tanchuma, ad loc.

زیرا بیصبرانه منتظر گرفتن مقام های رهبری بودند؛^۶ و این که آنها ازدواج نکردند و خود را ورای این امور دانستند.^۷ اما برخی دیگر مرگ آنها را مجازات دیر هنگام گناه دیگری دانستند که در پای کوه سینا مرتکب شدند و در پیشگاه خدا "خوردند و نوشیدند" (خروج ۲۴:۹-۱۱).

این تفسیرها خوانش های مرتبط چهار جای تورات را که در آنها از مرگ ناداو و ابیهو گفته می شود، دربردارند (لاویان ۲:۱۰؛ لاویان ۱۶:۱؛ اعداد ۳:۴؛ اعداد ۲۶:۶۱) و نیز اشاره به حضور آنها در پای کوه سینا. هر یک سخنی عمیق پیرامون خطرهای اشتیاق بیش از اندازه برای زندگی مذهبی هستند. اما ساده ترین شرح، همان است که در تورات گفته شده: ناداو و ابیهو مردند زیرا آتشی غیرمجاز یا بیگانه پیشکش کردند، یعنی آتشی که به آنها دستور داده نشده بود. برای فهم اهمیت این نکته باید برگردیم به اولین اصول و معنای قادوش یا مقدس و در نتیجه، معنای میقداش همچون خانه امر مقدس را یادآور شویم.

مقدس، یعنی بخشی از زمان و مکان که خداوند برای جلال خود در نظر گرفته است. آفرینش با پنهان شدن همراه است. واژه عولام به معنای جهان از نظر معناشناسی پیوند دارد با واژه *ne'elam* یا "پنهان". خدا برای این که به نوع بشر برخی قدرت های خلاقه خود را مانند استفاده از زبان برای اندیشیدن، ارتباط گیری، فهمیدن، تصور کردن آینده های ممکن و گزینش از میان آنها را بدهد، می بایست کاری بیش از خلق انسان هموساپینس بکند. او می بایست قدرت خود را محدود کند (که حکیمان قبلائی به آن زیمزوم می گویند) تا برای عمل انسانی جا باز کند. هیچ کار دیگری تا این اندازه نشانگر عشق و سخاوت نهفته در آفرینش نیست. خدا که در تورات با او رویارو می شویم مانند پدری است که می داند

^۶ Aggadah (Buber), Vayikra 10.

^۷ Leviticus Rabbah 20:10.

باید خود را کنار بکشد، از دخالت خودداری کند تا فرزندانش مسئول و عاقل بشوند. اما این حدی دارد. اگر خدا خود را یکسره کنار بکشد مانند آن است که دنیا را به حال خود رها کرده و فرزندانش را تنها گذاشته باشد. خدا چنین نمی کند. پس خدا چگونه اثری از خود در دنیا بگذارد؟

پاسخ تورات پاسخی فلسفی نیست. یک پاسخ فلسفی به معنای فلسفه غرب که با افلاطون در دوران باستان و دکارت در دنیا مدرن آغاز شد، باید جهانشمول باشد، یعنی برای تمام زمان ها و مکان ها. اما در اینجا هیچ پاسخی نیست که برای تمام زمان ها و مکان ها صدق کند. از این رو است که فلسفه نمی تواند تناقض آشکار میان آفرینش الهی و اختیار آزاد انسان یا تناقض میان حضور الهی و دنیای تجربی که در آن می اندیشیم، انتخاب و عمل می کنیم را بفهمد و هرگز نخواهد فهمید.

تفکر یهودی نقطه مقابل فلسفه است. این تفکر تاکید دارد که حقیقت ها دقیقا به زمان ها و مکان های خاص تعلق دارند. زمان مقدس وجود دارند، مانند روز هفتم، ماه هفتم، و پایان هفت دوره هفت ساله یعنی سال یوول. آدم های مقدس وجود دارند، مانند بنی اسرائیل همچون یک کلیت، و در میان آنها لوی ها و کوهن ها. و مکان های مقدس وجود دارند، مانند سرزمین اسرائیل و درون آن اورشلیم، درون آن معبد؛ در بیابان میشکان، قدس و قدس القداس (قودش هقداشیم).

مقدس نقطه ای از زمان و مکان است که در آن حضور جلال الهی از راه زیمزوم یا خودمحدود سازی حاضر می شود [مترجم فارسی: ایده قبالیایی که بر اساس آن خدا نیروی بیکران خود را پس می کشد تا دنیای کرانمند مادی قادر به تحمل جاری شدن نیروی الهی باشد]. مقدس جایی است که حضور مطلق خدا تجربه می شود. نه اتفاقی، بلکه اساسی. و

این تنها می تواند از راه وحدت کامل میان اراده و عمل انسان اتفاق بیفتند. بدان معنا نیست که خدا ارزشی برای اراده و عمل انسان قایل نباشد. برعکس، خدا بشریت را توانمند ساخته تا آنها را تبدیل به "شریک های خود در آفرینش" سازد.

اما در راستای هدف خدا باید زمان ها و مکان هایی باشند که در آنها بشریت واقعیت وجود خدا را تجربه کند. آن زمان ها و مکان ها اطاعت کامل طلب می کنند. اساسی ترین اشتباه – همان که ناداو و ابیهو مرتکب شدند – این است که انسان، قدرتی را که برای رویارویی با دنیا به او داده شده را برای رویارویی با خدا استفاده کند. اگر ناداو و ابیهو برای جنگ با نیروی شر و بیعدالتی ابتکار به خرج می دادند، قهرمان می شدند. از آنجا که قدرت خود را در محدوده مقدس به کار گرفتند، به بیراهه رفتند. آنها در برابر حضور مطلق خدا، حضور خود را به رخ کشیدند. این برخلاف قوانین بود. به این دلیل مردند. ما وقتی در مورد خدا همچون حسود، هوسباز، خشمگین و غیره صحبت می کنیم به بیراهه می رویم: مسحیت اولیه یک دروغ را رواج داد تا خود را دین عشق نشان دهد که بر خدای بیرحم، خشن و انتقام جوی تورات پیشی می گیرد. اما تورات خودش "با زبان فرزندان آدم سخن می گوید" (براخت ۳۱ الف) یعنی با کلماتی که آدم ها بفهمند.

در حقیقت، تنخ [تورات، کتب انبیا و کاتبان] داستان عشقی پیوسته است، عشق پرشور خدا به مخلوقاتش که با همه بدکاری ها و خیانت های تاریخ بشر، پابرجا می ماند. خدا از ما می خواهد که با او دیدار کنیم، نه از آن رو که او نیاز به بشریت دارد، بلکه از آن رو که بشریت به او نیازمند است. اگر تمدن قرار است با عشق، عدالت و احترام به اصالت آفرینش هدایت شود، باید لحظه هایی باشند که در آنها "خویشن خویش" را پشت سر بگذاریم و کلیت هستی را با تمام شکوه آن دیدار کنیم.

این است کارکرد امر مقدس که در آن نقطه، در حضور سرشار الهی، "من هستم" خاموش می شود. این چیزی بود که ناداو و ابیهو فراموش کردند که ورود به مکان یا زمان مقدس نیازمند خاکساری و جودی و وحدت کامل اراده و عمل انسان است.

در مورد اهمیت آیین دینی نباید بیش از اندازه افراط کرد. وقتی ما اراده خود را با اراده خدا اشتباه می گیریم، امر مقدس و سرچشمه هستی را به امری غیرمقدس و سرچشمه مرگ تبدیل می کنیم. نمونه کلاسیک آن "جنگ مقدس" یا "جهاد" و جنگ صلیبی است: رنک و بوی مقدس دادن به کشورگشایی و خواست حکمرانی بر مردمان دیگر، چنان که گویی تسخیر کشورها و تغییر دین اجباری، اجرای خواست خدا بوده است.

داستان ناداو و ابیهو ما را به یاد یک هشدار دیگر می اندازد که ابتدا در دوران قابیل و هابیل بیان شد. نخستین عمل پرستش خدا به نخستین قتل انجامید. پرستش خدا مانند یک نیروگاه هسته ای نیرویی تولید می کند که می تواند هم خوب باشد و هم به شدت خطرناک.

در روایت ناداو و ابیهود سه نوع آتش نام برده شده اند:

نخست:

"آتشی از پیشگاه خدا بیرون جهید و قربانی سوختنی را سوزاند. (لاویان ۹:۲۴)

این آتش لطف الهی بود که قربانی محراب را سوزاند.

دوم: سپس آتش غیرمجاز توسط دو پسر اهرون پیشکش شد.

پسران اهرون، ناداو و ابیهود آتشدان های خود را برداشتند، در آنها آتش ریختند و عود افزودند؛ و آنها آتشی غیرمجاز به پیشگاه خدا تقدیم کردند که خدا به عنوان پیشکش به آنها نیاموخته بود. (لاویان ۱۰:۱)

سوم: ضد آتش از آسمان فرود آمد:

از پیشگاه خدا آتشی بیرون جهید و آنها را سوزاند تا در پیشگاه خدا مردند.

پیام، ساده و بس جدی است: دین به آن چیزی که متفکران روشنگری اروپا فکر می کردند، یعنی خاموش، حاشیه ای و کم اثر، تبدیل نشد. دین آتش است و مانند آتش گرم می کند. اما همچنین، می سوزاند. و ما نگهبانان آن شعله هستیم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved